



نامه ای به دوستان اهل بیت علیهم السلام

ترجمه شده توسط سایت مهتدون



نامه ای به دوستان اهل بیت علیهم السلام

تألیف:

لجنة علمی بدار المنتقى

ترجمه:

ترجمه شده توسط سایت مهتدون



فهرست مطالب

مقدمه	۵
نامه ای برای دوستان	۶
رابطه خاندان نبوت و صحابه	۶
نامگذاری فرزندان علی رضی الله عنه به اسم صحابه	۶
تمکذاری به اسم ابوبکر و صحابه	۷
ازدواج خاندان نبوت و صحابه	۷
نصیب ابوبکر و عمر رضی الله عنهما من خلافت	۹
دشمنی بین خاندان نبوت و صحابه کجاست	۱۰
جعفر صادق ابوبکر دوبار مرا زائیده است	۱۱
حکم دفن کاغر در قبرستان مسلمین	۱۲
اعتقاد درباره ی تقیه	۲۰
ائمه به اختیارشان می میرند	۲۱
درباره فداك	۲۳
اعتقاد درباره خاك حسینی	۲۷
خاتمه	۳۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً.

اما بعد:

به نام مهربان الهی که رحمتش همه‌ی هستی را فرا گرفته، و درود و سلام بر پیامبر رحمتی که با قلب مهربانش شفقت و محبت و رحمت را همچون شربت گوارا به امتش نوشاند، و درود و سلام بر یاران و خاندانش که اولین شاگردان این مکتب رحمت و شفقت بودند، تا جایی که خداوند رحمان و رحیم بدلیل تبلور رحمت در میانشان به همین عنوان از آنان ستایش نمود و فرمود: قوله تعالى:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [سورة الفتح: ۲۹].

«محمد رسول خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند». جامعه‌ی بشری همواره نیازمند رهبران و پیشوایانی است که بتوانند فسادها و انحرافهای عقیدتی و فکری و اخلاقی مردم را اصلاح کنند، تا قطار سیر جامعه به طوفان موانع برخورد نکند و دچار اختلال و نابودی نگردد، خداوند حکیم که خالق مطلق و مدبر کلّ این جهان است با علم و حکمت خودش تشخیص میدهد که جامعه در چه زمانی نیازمند چه نوع رهبران و مصلحانی است.

سنت حکیمانه آن ذات قدسی این بود که همواره پیامبران و رسولانی را از میان خود مردم بر می‌گزید و پیام خودش را توسط آنان به مردم ابلاغ میکرد و راه سالم زیستن و بهتر زیستن را به آنان تلقین می‌نمود، سرانجام در فرصت پایانی امتحان، در این جهان فانی حکمتش چنین اقتضا نمود که آخرین پیامبرش را با آخرین کتابش مبعوث کند و بدین ترتیب به سلسله‌ی پیامبران و رسولانش پایان بخشد. در پایان از خداوند جل و علا می‌خواهم که این رساله را برای صاحبان بصیرت نافع بگرداند، همانگونه که می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

و از تمامی کسانی که در شکل گرفتن این نامه با ما همکاری نموده‌اند تشکر می‌کنیم و از خداوند می‌خواهم که در مقابل این کار به آنان جزای خیر بدهد، والله أعلم و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم.

نامه ای برای دوستان اهل بیت علیهم السلام

حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان و صلوات و درود بر آن کسی که برای رحمت جهانیان مبعوث شده است، پیامبر ما، مولای و الگوی ما، محمد صلی الله علیه وسلم، و بر خاندان پاک او باد. ویاران باوفایش و کسانی که از او پیروی کردند و تا روز قیامت از سنت او پیروی کردند. اما بعد:

این پیامی است که به هر کسی که عقلش را بر هوی و هوس مقدم می‌دارد، حقیقت را بر تعصب ترجیح می‌دهد، حقیقت را با حقیقت، جواب می‌دهد و می‌داند که حقیقت شایسته تر است. که آن را متابعت کند.

و آن را با عنوان (نامه ای به دوستان اهل بیت) بیان کردیم، و از منابع معتبر شیعه گرفته شده است، زیرا شیعیان مانند سایر گروه های مردم هستند، از جمله آنان مردان خردمندند که نیکوکار و پاکیزه هستند. و در میان آنان کسانی هستند که تعصب و تقلید بر حق ترجیح دادند و عقل خود را از کار انداختند و از هوا و هوس خود پیروی کردند و بدون بصیرت و حجت از دیگران تقلید کردند. و امیدواریم خوانندگان این نامه را با دیدی باز و به دور از تعصب بخوانند، زیرا حقیقت عزیز است، هر کجا که بود و با هر که بود واجب است که متابعت شود.

ازجمله مثالهایی و قرار دادن آن در برابر دیدگان خوانندگان گرامی اینها است:

۱- اگر رابطه خاندان نبوت و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بقیه خانواده های قریش از روی کینه و دشمنی و نزاع بوده باشد که در کتب شیعه ذکر شده است؟ پس راز اسمای و ازدواج اهل بیت نبوت و بقیه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و خانواده های قریش، بعد از ایشان چیست؟! از این نمونه ازدواجها عبارتند از:

الف. نامگذاری گروهی از فرزندان و نوادگان علی رضی الله عنه به نام اصحاب به

ویژه ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه رضی الله عنهم و از جمله ابوبکر بن علی، و ابوبکر بن الحسن که با الحسین رضی الله عنه به شهادت رسیدند ابوبکر بن الحسن المثنی بن الحسن، و نوه او رحمه الله ابوبکر بن موسی الکاظم.

و اما کنیه های آنها ابوبکر است: علی زین العابدین بن الحسین شهید و علی الرضا بن موسی کاظم است.

و اما نام عمر یکی از مشهورترین نامها در میان خاندان پیامبر صلی الله علیه وسلم است، همانا این نام در هجده نسل از اولاد دو سبطین الحسن والحسین رضی الله عنهما باقی مانده است و از آن پس:

عمر الاطرف بن علی، عمر بن الحسن، که همراه با حسین رضی الله عنه در کربلاء شهید شدند، عمر بن الحسین شهید، عمر الاشراف بن علی زین العابدین، عمر (شجری) کوچکترین فرزند علی فرزند عمر الاشراف بن زین العابدین.

و اما اسم عثمان هم در بیت نبوت بسیار بود و از آن جمله:

عثمان بن علی بن ابی طالب مادرش ام البنین الکلابی به همراه برادرش الحسین در کربلاء شهید شد، عثمان بن یحیی بن سلیمان از اولاد علی بن الحسین است، که خداوند از همه آنها راضی باشد.

نام طلحه در اهل بیت: طلحه بن الحسن السبط رضی الله عنه و مادرش ام اسحاق بنت طلحه بن عبید الله رضی الله عنه طلحه بن الحسن المثنی بن الحسن السبط رضی الله عنه.

نامگذاری عایشه در خاندان اهل بیت: از جمله کسانی که در آل علی رضی الله عنها عایشه نامیده شده اند: عایشه دختر امام جعفر صادق، عایشه دختر موسی کاظم، عایشه دختر جعفر بن موسی کاظم، عایشه دختر علی الرضا، عایشه دختر علی الهادی، عایشه دختر محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن المثنی.

آیا اهل بیت در همه چیز برای شیعیان الگو نیستند؟ آیا شیعیان شان در نامگذاری پسران و دخترانشان از آنها پیروی خواهند کرد؟ آیا شیعه جرات می کند اسم پسرش را ابوبکر، عمر، عثمان یا دخترش عایشه بگذارد؟

ب - ازدواج بین خاندان و اهل بیت و صحابه به ویژه آل ابوبکر و آل خطاب و آل زبیر بسیار است که منابع معتبر شیعه به آنها اشاره کرده اند از جمله:

الف - ازدواج ام کلثوم دختر علی رضی الله عنه با عمر بن الخطاب رضی الله عنه.

اینکه علی دخترش را به عقد عمر رضی الله عنه درآورد، نه تنها حاکی از عمق رابطه و

محبت استوار دو طرف است، بلکه بیانگر آن است که علی رضی الله عنه معتقد است که عمر بن خطاب بهترین مردی است که سزاوار است نوه دختری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان همسرش باشد و این برخلاف تصور شیعیان به عمر رضی الله عنه است و در تأیید این امر حق تعالی می فرماید: ﴿وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ النور ۲۷.

ب- فاطمه بنت علی بن ابی طالب رضی الله عنه که با منذر بن عبیده بن الزبیر رضی الله عنه ازدواج کرده است.

ج - سکینه بنت الحسین شهید، همسر مصعب بن الزبیر بوده است.

د- رقیه دختر الحسن رضی الله عنه که با عمرو بن الزبیر رضی الله عنه ازدواج کرده است.

ج - فاطمه بنت الحسین شهید، با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ازدواج کرد.

ح - ام الحسن دختر حسن السبط رضی الله عنه که با عبدالله بن الزبیر رضی الله عنه ازدواج کرده است.

ح - ملکه بنت الحسن (المثنی) که با جعفر بن مصعب بن الزبیر ازدواج کرده بود.

د- حسن بن علی با حفصه بنت عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله عنه ازدواج کرد.

ی- حسن بن علی رضی الله عنه با ام اسحاق بنت طلحه بن عبید الله رضی الله عنه ازدواج کرد. پس چون حسن رضی الله عنه از دنیا رفت به برادرش حسین شهید وصیت کرد که بعد از او با او ازدواج کند سپس حسین شهید با او ازدواج کرد و فاطمه به را برایش به دنیا آورد.

ر- محمد باقر با ام فروه بنت القاسم بن محمد بن ابی بکر رضی الله عنه ازدواج کرد و او مادر امام جعفر صادق علیه السلام است.

۲- شیعیان را با توهین به صحابه بزرگ و در رأس آنها سه خلیفه راشدین ابوبکر و عمر

و عثمان رضی الله عنهم خود را به خدا نزدیک می کنند، و در عوض حتی یک سنی نمی یابیم که یک نفر را از اهل بیت را لعن کند بلکه با محبت به آنها خود را به خدا نزدیکتر می کند، و این همان چیزی است که شیعیان حتی اگر با دروغ باشد نمی توانند آن را انکار کنند.

۳- منابع شیعه ذکر می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را از آنچه مردم در مورد آزار رساندن به آنها انجام می دهند آگاه کرده است، زیرا خداوند متعال او را از هر آنچه پس از او تا روز قیامت اتفاق می افتد آگاه کرده است، اما شیعیان در کتب معتبر خود با حدیث الحوض به ارتداد صحابه استدلال می کنند: که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «یرد علی رجال أعرفهم ویعرفونی، فیزادون عن الحوض، فأقول: أصحابی، أصحابی!، فیقال: إنک لا تدري ما أحدثوا بعدک». «مردانی بر من وارد می شوند که آنها را می شناسم و آنان مرا می شناسند، و آنها از حوض من بازداشته می شوند و آنگاه من می گویم: اصحاب من، اصحاب من هستند!، گفته می شود تو نمی دانی که چه چیزهایی بعد از تو پدید آورده اند؟! آیا این دلیل بر این نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی داند بعد از او چه خواهد شد؟ و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علم غیب را نمی دانست، پس غیر از او من باب اولی علم غیب نمی داند.

۴- ابوبکر و عمر رضی الله عنه از تصدی خلافت چه سودی بردند؟ نه قصری ساختند و نه پولی به ارث بردند و نه خلافت را به میراث بردند، بلکه عمر رضی الله عنه شورا را شش نفر انتخاب کرد و سفارش کرد که از بنی خطاب احدی نباشد.

۵- عمر رضی الله عنه پس از مرگش شش نفر را برای شورا برگزید، سپس سه نفر از آنان کناره گیری کردند، سپس عبدالرحمن بن عوف کنار رفت، پس عثمان و علی رضی الله عنه باقی ماندند. پس علی رضی الله عنه نگفت خلافت از اول برای من بوده و وصیت شده است؟ آیا مگر او از کسی بعد از مرگ عمر رضی الله عنه می ترسید؟

۶- شیعیان نمی توانند انکار کنند که ابوبکر و عمر رضی الله عنه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زیر درخت بیعت کردند، و خداوند از آنها رضایت دارد، و آنچه را در دلهایشان بود می دانستند، چنانکه خداوند متعال فرمود: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾، خداوند از مؤمنان به هنگام بیعت با تو خشنود است. در زیر درخت آنچه را در دلهایشان بود می دانست، پس آرامش را بر آنان نازل کرد. به زودی آنها را با یک فتح پاداش داد. مثل این است که می گویند: "تو ای پروردگار، آنچه را که ما می دانیم درباره آنها نمی دانی".

۷- نماز بزرگترین رکن عملی اسلام است. پس چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر پیشنهاد نماز داد نه علی که جانشین اوست، چنانکه شیعیان معتقدند؟ و اگر ابوبکر از سر خود آمده بود، چرا علی را به خاطر آن تقبیح نکرد و او را به تأخیر انداخت و به جای او نماز خواند و استدلال کرد که او جانشین رسول خدا پس از او و جانشین اوست؟

۸- پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ابوبکر، سپس عمر و سپس عثمان رضی الله عنه خلافت را به عهده گرفتند و آنان را شیعیان گمراه، ظالم و کافر می دانند. که حق اهل بیت را غصب کرده اند. و آیا نماز خواندن پشت سر فاسق، یا کافر، برای شیعیان صحیح است؟

۹- فتوحات اسلامی در عهد ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنه بسیار بزرگ بود از جمله فتح فارس، فتح شام، فتح بیت المقدس، فتح مصر، آفریقا، کشورهای سند و دیگر کشورها، پس آیا این پیروزی از جانب خداوند برای اسلام محسوب می شود یا خیر؟ آیا کسانی که در زمان خلافت او چنین کارهایی انجام داده اند خلیفه فاسد و ظالم محسوب می شوند؟ سربازان تحت امر او چطور؟ شکی نیست که آنها دقیقاً مانند او هستند، زیرا آنها لشکریانی هستند که با آنها نماز می خوانند و به گردش می پردازند و شیعیان فراموش نمی کنند که از جمله این لشکریان کشورهای فتح شده (علی، حسن، حسین، سلمان، ابوذر و عمار) هستند. که خدا از همشون راضی باشه.

۱۰- کتب مورد نظر شیعه متفق القول است که رابطه عمر و علی رضی الله عنه از روی کینه و دشمنی بوده است، سپس در می یابیم که عمر وقتی برای تحویل گرفتن کلیدهای بیت المقدس می رود علی را به عنوان جانشین خود در مدینه مقرر می نماید؟! با اینکه اگر کوچکترین مشکلی برای عمر پیش بیاید علی خلیفه خواهد شد!

پس این دشمنی کجاست؟!

و یا از عمل هر یک فهمیده می شود که با هم دوست بودند.

۱۱- خداوند متعال فرمود: «وگرنه پیروز می شوید، سپس خداوند آن را مطرح کرده است، در حالی که کافران خود دو ثانیه هستند، مکه به مدینه، همراه او در این سفر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود. آیا خداوند در این واقعه بزرگ مردی را برای همراهی با پیامبرش

صلی الله علیه و آله و سلم برگزید که شایستگی این شرکت را نداشته باشد؟ آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نتوانست کسی را در میان یاران خود بیابد که شایسته تر از مردی فاسق و ظالم - به اعتقاد شیعیان - باشد یا خداوند برای این سفر بزرگ انتخاب کرد. همراهی با پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم که شایستگی آن را دارد و انتخاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به این دلیل که او بهترین صحابی است به او سلام کرد. شخصی که در سفر مهمی باشد، پس اگر ابوبکر مردی فاسق و ظالم بود - به عقیده شیعه - چگونه خداوند متعال پیامبر بزرگوارش و این مرد را جمع جمع کند. در قول او (ان الله با ماست) آیا اگر عقیده شیعیان به ابوبکر صحیح باشد، بهتر نیست که نص باشد (خداوند با من است)؟

۱۲- شیعیان از امام جعفر صادق - که به پندار آنها مؤسس مذهب جعفری است - روایت می کنند که او با افتخار می گفت: (ابوبکر دو بار مرا زاده است) چون نسب جعفر صادق از دو طریق به ابوبکر می رسد:

اول از طریق مادرش فاطمه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

و دوم از طریق مادر بزرگش اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر، که اسماء مادر فاطمه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر است. سپس می بینیم که شیعه روایت های دروغینی از امام صادق ارائه می دهند که او جدش ابوبکر رضی الله را مذمت می نماید!

سوال اینجاست که چگونه امام صادق از یک طرف به جد خود افتخار می کند، و از طرفی به او طعنه می زند؟! و ممکن است چنین سخنی از یک بازاری جاهل سر زند، نه از امامی که شیعه او را فقیه ترین و پرهیزگارترین فرد دورانش می شمارند، و هرگز کسی او را مجبور نکرده که کسی را ستایش کند یا مذمت نماید.

سؤال این است: چگونه می شود که مرد درستکار از یک طرف به پدر بزرگش افتخار

کند و از طرف دیگر او را بد نام کند؟! این سخن ممکن است از جانب بازاری جاهل باشد، اما نه از امامی که شیعیان آن را داناترین و با تقواترین مردم زمان و زمان خود می دانند. هیچ کس او را نه با مدح و نه با تهمت مکلف نکرده است و برخی از کتب شیعه از جعفر صادق نقل می کند که به زنی که از ابوبکر و عمر پرسیده بود گفت: آنها را بپذیرم؟! !

گفت: آنها را ببر. گفت: پس به پروردگارم می گویم اگر او را ملاقات کنم به من امر کرده ای که آن دو را تصرف کنم؟! به او گفت: بله. می گوید: مردی از اصحاب باقر با شنیدن توصیف باقر از ابوبکر رضی الله عنه که دوست است متحیر شد، آن مرد گفت: آیا می توانی او را چنین توصیف کنی؟ باقر گفت: آری، او دوست است، پس هر که نگوید دوستم، خداوند در آخرت به او نمی گوید چه گفته است. نظر شیعیان درباره ابوبکر صدیق رضی الله عنه چیست؟

۱۳- اگر کافری را در قبرستانهای عمومی مسلمانان دفن کنند، مسلمانان باید قبر این کافر را نبش قبر کرده و از قبرستان مسلمانان خارج کنند. بنابر اعتقاد شیعیان ابوبکر و عمر رضی الله عنه کافر و ظالم هستند پس چرا علی رضی الله عنه قبر آنها را نبش قبر نکرد و قبر رسول خدا را تطهیر نکرد. رضی الله عنه از همسایگی با آنها، اگر آنچه شیعیان به آنها معتقدند درست است؟ سپس آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پروردگارش را خوار و ذلیل کرد تا کسانی را که در قبر او بودند کافر و ستمگر کرد؟؟ و چگونه ابوبکر و عمر در کنار پیامبر ص دفن می شوند، و حال آن که از دیدگاه شما آنها کافرند؟!

و مسلمان را نباید در کنار کفار دفن کرد، چه برسد به پیامبر ص؟! و چرا خداوند او را از قرار گرفتن در جوار کفار محافظت نکرد.

و علی کجا بود؟! چرا با این امر خطرناک و مهم مخالفت نکرد؟! پس باید شما بپذیرید که ابوبکر و عمر م مسلمان بوده اند و به خاطر جایگاهی که نزد خدا و پیامبرش داشته اند خداوند افتخار دفن شدن در کنار پیامبر را نصیب آنها کرده است، و یا اینکه بگویید که علی در دین و ایمانش راه سازش را در پیش گرفته است!! و علی از چنین چیزی پاک است.

۱۴- هر پیشوا یا مربی که توفیق او در تربیت پیروانش دلیل بر موفقیت کار و شایستگی او برای رهبری و تحصیل باشد، پس سهم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز کمترین سهم است. از آنجایی که ایشان رضی الله عنه آموزگار بزرگ و بهترین معلم همه اعصار

است. تاریخ اکثر کسانی که آنها را تربیت کردند بر خلاف اصولی بودند که ایشان آنها را بر آن تربیت کرده بود لذا اصحاب از هر پیامبری بهترین اهل دین خود بودند، اما رسول خدا از این امتیاز محروم شد، زیرا بدترین اهل دین، جز اندکی از آنان، اصحاب او بودند؟ آیا یک مسلمان عاقل این چالش با رسول خدا صلی الله علیه و آله را می پذیرد؟

۱۵- طبق آنچه در کتب معتبر شیعه آمده است، جامعه صحابه، جامعه ای است که در آن کینه و نزاع حاکم است، در حالی که قرآن کریم بر خلاف آنچه شیعه معتقد است، خداوند متعال می فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ الفتح ۲۹، وقال تعالى: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران ۱۰۳، وقال تعالى: ﴿فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (۶۲) وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ الأنفال ۶۲-۶۳، فمن نصدق كتب الشيعة ومراجعهم، أم القرآن الكريم؟ آن وقت اگر وضع جامعه صحابه به شرح کتب شیعه بود، چگونه دین به بقیه مردم رسید؟ و پس توسط چه کسی؟ چه کسی کشورها را باز کرد و دین را گسترش داد؟

۱۶- علی حسب معتقد الشيعة، فإن جل الصحابة مرتدون فاسقون، فيمن نزلت آيات الثناء والمدح من مثل قوله تعالى: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ التوبة آية ۱۰۰، وقوله تعالى ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ الفتح آية ۱۸، وقوله تعالى ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ الفتح آية ۲۹، وقوله تعالى ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ آل عمران آية ۱۱۰، وكثير من الآيات، فضلا عن الأحاديث النبوية ؟ منابع

شیعه که صحابه رسول الله یا آیات کتاب الله تعالی را نقد می کنند چه کسانی را باور می کنیم؟

۱۷- قال تعالى: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸) وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَهُ نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹) وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ الحشر الآيات ۸-۱۰، فقد قسم الباري سبحانه في هذه الآيات، المسلمين به سه بخش تقسیم می شود که چهارمی ندارد، بخش اول (مهاجرین) مردند، رضی الله عنه، بخش دوم (انصار)، رضی الله عنه، بخش سوم (طلب کنندگان). آمرزش برای آنها) و اینها تا روز قیامت باقی می مانند. جایی که نه مهاجر است و نه انصاری و نه از استغفار کنندگان برای آنها؟

۱۸- شیعیان به ایمان صحابه به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله اذعان دارند، اما ادعا می کنند که بعد از آن مرتد شدند! چقدر عجیب است که همه اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت ایشان به ارتداد رضایت دادند؟ و چرا؟ چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در هنگام سختی و مصیبت یاری می کنند و او را با جان و مال فدیة می دهند؟

بعد از مرگش بی دلیل می پوشند؟! مگر آنکه بگویی ارتداد آنها به خاطر ولایت ابوبکر رضي الله عنه بر آنها بوده است، پس به تو گفته می شود: چرا اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به اتفاق آرا با ابوبکر بیعت کردند و چه ترسی از ابوبکر داشتند؟ آیا ابوبکر رضي الله عنه بر آنها قدرت و اختیار داشت و آنها را مجبور به بیعت اجباری با خود می کرد؟ سپس ابوبکر رضي الله عنه از بنی تیم از قریش بود و از کمترین تعداد قریش بودند، اما موضوع و تعداد در قریش متعلق به بنی هاشم، بنی عبدالدر و بنی مخزوم بود.

اگر نتوانست یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله را وادار به بیعت کند پس چرا

اصحاب رضی الله عنه جهاد و ایمان و پیروزی خود را فدا کردند. ، تقدم، دنیوی و اخروی به خاطر دیگران، و او ابوبکر رضی الله عنه است؟

۱۹- چه عاملی باعث شد که انصار با ابوبکر بیعت کنند، وقتی ابوبکر به آنها گفت که این موضوع در نزد قریش است و انصار در آن نقشی ندارند؟

۲۰- علمای شیعه دوازده امامی اغلب از محبت انصار به علی بن ابی طالب و اینکه در جنگ صفین در لشکریان او بسیار بودند یاد می کنند. به آنها گفته می شود: اگر چنین است پس چرا خلافت را به او ندادند و به ابوبکر ندادند؟! شما پاسخ قانع کننده ای برای سرگرمی پیدا نخواهید کرد. به همین دلیل است که کتب شیعه را دیدیم که این حامیان و دوشادوش علی در جنگ صفین ایستادگی می کنند، همان کتاب هایی که در واقعه سقیفه آنها را ارتداد می نامند و روی پاشنه می چرخانند!

۲۱- ابوبکر و عمر رضی الله عنهم وقتی خلافت را به دست گرفتند چه چیزی را از احکام دین پنهان کردند؟ آیا علی رضی الله عنه آنچه را که در زمان خلافت پنهان کرده بود نشان داد؟ و چه مسائلی را در زمان خلافت خود به وجود آوردند و سپس علی رضی الله عنه آنها را در زمان خلافت خود حذف کرد؟

۲۲- اگر معاویه رضی الله عنه کافر بدعت گذار بوده است که منابع معتبر شیعه متفق القول بر آن اتفاق نظر داشته اند پس حسن رضی الله عنه چگونه به او اعتراف کرده است! بلکه جزء گله اش شد که زیر دستش است!! آیا آن گونه که شیعیان ادعا می کنند، امتیاز دادن حسن به کافر بدعت گذار، اهانت به عصمت او نیست؟ بلکه آیا این جنایت علیه امت و گله اش که خداوند به او امانت داده است، محسوب نمی شود!! اگر حسن این کار را کرد، نشانگر دو چیز است که برای آنها سوم نیست: تهمت به حسن و اینکه او در امانت خود خیانت کرده و رهبری خود را ترک کرده است، یا اینکه معاویه شایسته خلافت است، و این چیزی است که آل - حسن دید، برایش چشم پوشی کرد.

۲۳- قال الله تعالى: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (۳۲) وَقُرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

الرَّجْسُ» اهل بیت و شما را به پاکی پاک می سازند (۳۳) و آنچه را که در خانه های نشانه های خدا و حکم پیروی می شود ذکر کنید که خدا خیر خداست. آل البيت و تطهیر شما با تطهیر کامل). بخشی از آیه ای است که درباره مادران مؤمنان از این آیه نازل شده است، پس چگونه حدیث شیعیان با استدلال همسران پیامبر بیرون می آید. ؟ و آیا حدیث کساء مضمون آیات قبل را باطل می کند یا اضافه است و معلوم می شود که هر تطهیر غیر از همسران پیامبر را شامل می شود تا با توجه به این که ادراک به آنها محدود نمی شود. متن نوشته؟

۲۴- در این آیات هشت فرمان آمده است ۱- (تسلیم نشوید) ۲- (و سخنی نیکو بگویید) ۳- (و در خانه های خود بمانید) ۴- (به زبان تسلیم نباشید) ۶- (الله) ۶- (دعاء) و ۷- (و از خدا و رسولش اطاعت کنید) ۸- (و آنچه را که خوانده می شود به یاد آورید) و اگر از هر مسلمان عاقل پرسیم: این دستورات برای همسران پیامبر است، هدفشان چیست. ؟ پاسخ او بدون شک این خواهد بود (تا همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پاک و مطهر باشند) و خداوند سبحان علت این دستورات را پس از او روشن کرده است. مهم ترین دستورات هفت گانه را از آنها ذکر کرد، پس مستقیماً بگویید: این جمله را که خداوند متعال به شما زنان پیامبر دستور داده است که پلیدی را از خود دور کنید و شما را پاک کنید.

۲۵- حدیث کساء، همان طور که نص حدیث است، مختص به پنج تن است، پس شیعه چگونه غیر از آن پنج را وارد کرده است؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در همین متن ذکر کرده است که اینها اهل بیت او هستند و نه نفر از فرزندان حسین رضی الله عنه بدون هیچ یک از فرزندان الحسن رضی الله عنه به ترتیبی که دوازده نفر می دانند؟ چگونه اثنی عشری را در متن وارد کنم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را ذکر نکرده است، در زمانی که آنها کسانی را که در اصل در متن نازل شده اند بیرون آوردند، منظور مادران اهل بیت است. مومنین خدا از شون راضی باشه؟؟

۲۶- حدیث الکساء از اهل سنت در منابع متعددی ذکر شده است، اما مهمترین منبع صحیح مسلم است که از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها حدیث را نقل کرده است. با این حساب چه کسی بر آنها حجت است؟ عایشه رضی الله عنها چه سودی از نقل چنین حدیثی می برد؟

۲۷- خداوند سبحان در داستان معروف افک برائت عایشه رضی الله عنها را آشکار

کرد و او را از این شر پاک کرد، آنگاه عده ای از شیعیان را می یابیم که همچنان او را به خیانت متهم می کنند!! - نعوذ بالله - و این همان گونه است که اهانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و اهانت به خدای متعال است که از غیب آگاه است و به پیامبرش خبر نداده است که زنش خائن است؟! دور از آن، و عقیده منفور، عقیده ای است که به همسران بهترین انسان ها و مادران مؤمنان تهمت می زند.

۲۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه در حجره عایشه رضی الله عنها دفن شده است؟ و شیعیان او را به کفر و نفاق متهم می کنند؟! آیا دفن شدن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حجره او دلیلی نیست بر اینکه پیامبر او را دوست داشته و از او راضی بوده است؟!

۲۹- امامت را شیعیان نصی از جانب خداوند متعال می دانند، همچنان که نبوت نصی از جانب اوست، بر این اساس، صحیح نیست که امام نص خدا بر او، امام مکلف باشد. اطاعت کردن، امتناع از این قرار، همان گونه که صواب نیست پیامبری این تعیین را از جانب خداوند رد کند. به او پس از قتل عثمان رضی الله عنه که گفت: وقتی می خواهم بعد از کشتن عثمان رضی الله عنه بیعت کنم.

((بگذار و به دنبال شخص دیگری باشم که ما امری را می پذیریم که صورت و رنگ دارد))، پس چگونه علی رضی الله عنه آن را توجیه می کند؟

۳۰- شیعیان ادعا می کنند که در قرآن به صراحت امامت علی t و مستحق بودنش به خلافت بیان شده، ولی اصحاب آن را پنهان کردند. این ادعایی باطلی است؛ چون اصحاب رضی الله عنهم را می بینیم که احادیثی که شیعه از آن بر امامت علی استدلال می کنند را پنهان نکرده اند، مثل حدیث منزلت: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى» و احادیثی دیگر که مانند این هستند، پس چرا آنها این احادیث را پنهان نکردند؟!

۳۱- قال الله تعالى واصفا القرآن الكريم ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ النحل ۸۹، وقال تعالى ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ الأنعام ۳۸، وقال سبحانه : لَا يَأْتِيهِ باطل از پیش اوست و نه از پشت سر او نازل شده از حکیم ستوده است (فصلية ۴۲) اشکال و دلیلی است که در صورت اختلاف به آن رجوع شود که جزئیاتی را ذکر می کند. آیا از امامت، مانند ارث، احکام حیض و زایمان، شکار و غیره پستتر هستند؟

۳۲ - شیعیان ادعا می کنند که علی رضی الله عنه با اجبار با ابوبکر رضی الله عنه بیعت کرد حتی اگر این استدلال را بپذیریم ولی علی رضی الله عنه بیعت کرد. به عمر رضی الله عنه داوطلبانه و نه از روی اجبار و دلیل بر این امر این است که علی وزیر عمر بود و در رأس مشاور من عمر قرار داشت تا اینکه عمر گفت: به خدا پناه می برم. معضلی که ابوالحسن ندارد) و از این جهت لازم است که ابوبکر و عمر امامان هدایت بوده اند و اگر به ادعای شیعیان امامان ظالم بوده اند، علی در این مورد فاقد ظلم نیست. هر کس ستمگر را یاری کند مانند اوست، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَطْلُبُوا لِلَّهِ الظَّالِمِينَ إِلَّا اسْتَعْتُمُ النَّارَ وَلَا أَوْلَىٰ مِنَ اللَّهِ إِلَّا تَعْلِيكُمْ﴾ ۱۱۳.

۳۳ - در کتاب (نهیج البلاغه) که نزد شیعیان ارج نهاده شده است:

(و از نامه ای از او (علیه السلام) به معاویه:

یعنی مردمی که با ابوبکر و عمر و عثمان به خاطر بیعتی که با آنها بیعت کردند و شاهد نه حق انتخاب داشت و نه برای غائب رد، بلکه شورا برای مهاجران و اهل بیت است. انصار، پدرم، با او بجنگ که از او غیر از راه مؤمنان پیروی کرد، و خداوند آنچه را که گرفت و جان من را به او سپرد، ای معاویه.

در این راهنما:

- ۱ - امام را مهاجرین و انصار انتخاب می کنند و ربطی به رکن امامت برای شیعیان ندارد!
- ۲ - علی علیه السلام همان گونه که ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم بیعت کردند.
- ۳ - شورا مخصوص مهاجرین و انصار است و این حکایت از شایستگی و مرتبه بالای آنان نزد خداوند دارد و با تصویری که شیعیان از آنان می اندیشند منافات و منافات دارد.
- ۴ - پذیرش و تأیید مهاجران و انصار و بیعت آنان با امامی برای آنان از رضای خداوند است.
- ۵ - شیعیان معاویه رضی الله عنه را لعن می کنند و ما علی رضی الله عنه را نیافتیم که در نامه هایش او را لعن کند!

۳۴ - اگر حسن رضی الله عنه امامی بود که خداوند متعال منصوب کرده بود، چگونه

این انتصاب را به دیگری واگذار می کرد!

۳۵ - اگر حسن رضی الله عنه معصوم بوده است، اعطای او به معاویه رضی الله عنه باید صحیح و صحیح باشد نه باطل، همچنان که رضای خداست. معصوم دوم بعد از آن. حسن

رضی الله عنه از این عمل برادرش متنفر بود ((ابومخنف گفت: مولای ما حسین بن علی علیه السلام نسبت به آنچه برادرش حسن علیه السلام بیزاری کرد. او با معاویه رفتار کرده بود و می گفت: اگر بینی خود را با موسی بریدم او بیشتر از برادرم دوستش می داشت)) جز این نیست که عمل حسن خطا و نارضایتی از خداست و به همین دلیل است. حسین علیه السلام از او متنفر بود و این نشان می دهد که حسن معصوم نیست، پس معصوم ظلم نمی کند، مخصوصاً در مورد سرنوشت ائمه و یا اینکه حسین معصوم نیست، زیرا او از این عمل کراهت داشته است. معصوم کسی که خطا نمی کند و کار درست را انجام می دهد.

۳۶- آیا شهید حسین به تنهایی بیرون رفت یا به خاطر پیام هایی که از سران شیعیانش به او رسید؟ پس چرا بعد از اینکه به او پیام دادند او را ناامید کردند! نکته عجیب این است که این سران رهبران ارتشی بودند که او و خانواده اش را کشتند.

۳۷- کدام یک برای حال ملت بهتر است، امتیاز حسن به معاویه و توبه امنیت، یا خروج حسین که مصیبت های زیادی به بار آورد که بزرگترین آن ریختن خون شریفش و نیکوکاران اهل بیتش بود. و بعد از جنگ حرّه و محاصره خانه قدیم، کدام یک از آنها صحیح ترین آتش بس و صلح است که حسن انجام داد، که قادر به جنگ فراوان، یا بیرون رفتن و جنگ با آن است. درماندگی و بی شماری، همان طور که حسین کرد؟ یکی از آنها بدون شک حق و دیگری باطل است و این دو چیز قابل جمع نیست و خطاکار طبق تعریف شیعه از معصوم معصوم نیست.

۳۸- در منابع شیعه ذکر شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت خود را با علم و بدون احد دیگر جدا می کرد، مانند (قرآن فاطمه، جعفر و غیره). خداوند متعال فرمود (و ما تو را جز رحمت جهانیان نفرستادیم) (انبیاء/۱۰۷) و او سبحان فرمود: ۳۹- شیعیان حدیث (غدیر خم) را یکی از مهم ترین متون می دانند که دلالت بر شرط خلافت علی بن ابی طالب رضی الله عنه دارد. و اگر برای استدلال فرض کنیم که علی امر به سکوت در برابر هر چه بر او می شود، پس چرا سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و سایر اصحابی که شیعیان آنها را به علی و نه دیگران وفادار می دانند؟ آیا به اینها هم دستور داده شده است که در مورد آنچه به علی می رسد سکوت کنند؟

۴۰- موضع شیعیان نسبت به الحسن رضی الله عنه به دلیل امتیاز دادن او به معاویه رضی الله عنه موضع بد و منفی شمرده می شود، ولی چون او یکی است نمی توانند او را به چالش بکشند. از صاحبان کساء، چنان که امامت را از آنان سلب کردند و بدون او در فرزندان حسین قرار دادند، تا آنجا که برخی از آنان گفتند ((بقیه فرزندان حسن بن علی علیه السلام) اعمال زشتی که موجب تقوا نمی شود)).

۴۱- منابع معتبر شیعه بیان کرده اند که به امامان بدون اختیار ضرر نمی رسد و بدون اختیار نمی میرند، از جمله آنچه که کلینی در الکافی ذکر کرده است: «الائمه يعلم فی الاموت و لا یُمرُّون». بدون اختیار خودشان» پس اگر دارند چه نیازی به تقوا است؟

۴۲- تقیه و عصمت با هم نیستند، زیرا تقیه یا سکوت بر حق است یا سکوت بر باطل، و این ایراد به عصمت است، همچنان که تقیه با نصوصی که در قرآن آمده است منافات دارد. سنت و حتی روایاتی که از اهل بیت رضی الله عنهم منقول است که به صبر در هنگام مصیبت و پایداری بر اصل حق است، هر چند ضرر بزرگی در آن باشد، و از آن حدیث علی است. رضی الله عنه: ما آن زمان را دریافتیم، پس چگونه عمل کنیم، فرمود: (همانند اصحاب عیسی علیه السلام): اره با اره و مصلوب بر چوب، مرگ در طاعت خداوند متعال. بهتر از زندگی در نافرمانی خداست)

۴۳- اگر تقیه در مقامی است که منابع معتبر شیعه ذکر کرده اند، پس چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن در تاریک ترین حالات و شرایط استفاده نکرده است، بلکه از ایشان ثابت شده است. صلوات الله علیه و آله و سلم، آنگاه که قول حق تعالی بر او نازل شد: او صلی الله علیه و آله و سلم در کوه الصفا و قریش را در روز آشکارا ندا داد، چنانکه او سلام و درود. روز حنین را با صدای بلند ندا می کرد در حالی که تنها بود به سوی دشمن می رفت (من پیغمبر، لا دروغ** من بن عبدالمطلب هستم) تقوای که خداوند برای او تشریع کرد. و خود و یارانش را در معرض هلاکت و سختی قرار ندهد؟ و چرا حسین رضی الله عنه از آن استفاده نکرد و به حکومت ابن زیاد (تقیه) رسید و خون او و قومش و انتخاب یارانش را تزریق کرد؟

۴۴- شیعیان در کتب خود روایات متضاد از ائمه را در مسائل فروع می بینند، گاهی

امام می فرماید: این حکم حرام است و گاهی مکروه و گاهی حلال، فروع حلال است و احدی. می تواند از آنها سوء استفاده کند، پس چه نیازی به این تناقض از یک امام معصوم به نام تقیه است؟

۴۵- منابع معتبر شیعه ذکر کرده اند که ائمه جز به اختیار نمی میرند، چنانکه در این روایت آمده است: «الائمه يعلموا یُمتُّونَ وَ لَا یُتْرُونَ الا بَخیره» و در عین حال ذکر می کنند. اینکه هیچ امامی نیست که با کشته شدن یا مسموم شدن نمرده باشد، «نبود امامی نیست مگر اینکه با کشتن یا مسموم شدن بمیرد»، پس چگونه می تواند برای خود قتل را انتخاب کند، آیا این نوعی از خودکشی ممنوع؟

۴۶- علی رضی الله عنه کشته شد و امت به خاطر آشوبی که بر آن حاکم شده بود سخت به آن محتاج شد، پس چگونه می تواند کشتاری را که گله اش را از آن محروم می کند در حالی که به آن نیاز دارد، برای خود انتخاب کند؟ و یکی از نتایج وفاتش پسرش الحسن رضی الله عنه، واگذاری خلافت به معاویه رضی الله عنه بود که شیعیان او را سرکفر و ظلم می دانند؟

۴۷- در کتب شیعه بسیاری از ماوراء الطبیعه و آداب اهل بیت ذکر شده است، از جمله آنچه که حسن الصفار متوفی سال ۲۹۰ هجری قمری در کتاب خود (بصیر درجات) ذکر کرده است. : (سوره ائمه که هر کس از اصحابشان را بخواهند با قدرتی که خداوند به آنها عطا فرمود در زمین راه می روند) و (سوره سوار شدن امیرالمؤمنین بر ابرها و عروج او در اسباب و آسمانها). و (فصل در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در آنچه دیده می شوند و برای آن بدون مردم آن چه می بینند اختصاص یافته اند. از اعمال در خواب و بیداری) و خیلی چیزهای دیگر، اشاره می کنند که اگر درست بود، پس چرا خود را از ضرر دور نکردند، پس علی رضی الله عنه غائله و حسین را کشت. خدا از او راضی باشد، خانواده اش را به دست او کشت، و اگر عادات ماورایی داشت که یادست هست، چرا نمی خواست تیر بچه ذبح شده اش را در اتاقش ذبح کند؟ حقیقت این است که اهل بیت، کرامت ها را نفی نمی کنند و ماوراء طبعی و خرافات را به آنها نسبت نمی دهند.

۴۸- تعریف امام در نزد شیعه این است: ((امام کسی است که از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله در امور دینی و دنیوی امامت کلی دارد)).

آیا این تعریف در مورد مهدی غایب صدق می کند؟

۴۹- در حدیث مهدی آمده است: «اگر از دنیا يك روز باقي مي ماند، خداوند آن روز را طولاني مي كرد تا مردی از اهل بیت من را بر آن بفرستد که نام من و نام پدرش نام من باشد. از پدرم.» عبدالله صلوات الله علیه و آله و مهدی در نزد شیعیان محمد بن الحسن نامیده می شود! این یک مشکل بزرگ است!

۵۰- شیعیان می گویند: علت غیبت امام دوازدهم خود ترس از تاریکی است، پس چرا این غیبت با از بین رفتن این خطر با تأسیس برخی از دولت های شیعی در طول تاریخ ادامه یافت؟ مثل عبیدها و آل بویه و صفویان و آخرین آنها در کشور امروزی ایران کیست؟! چرا او اکنون بیرون نمی آید و شیعیان می توانند به او کمک کنند و در وضعیت خود از او محافظت کنند؟! و تعدادشان میلیونی است و صبح و شام جان خود را فدای او می کنند...!!

۵۱- شیعیان ادعا می کنند که اگر مهدی آنها ظهور کند به حکومت آل داوود حکومت می کند! شریعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رونوشت احکام گذشته کجاست؟!

۵۲- چرا اگر مهدی شیعه به نفع یهود و نصارا بیرون آمد و اعراب و قریش را کشت؟! آیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم از قریش و از اعراب نیست و ائمه هم طبق گفته شما؟!

۵۳- شیعیان از ابی عبدالله - جعفر الصادق - روایت می کنند که فرمود: «صاحب این امر مردی است که او را جز کافر نمی خواند...». و از ابو محمد حسن عسکری روایت می کنند که به ام المهدی گفت: فرزند ذکور می آوری و نام او محمد است و او پس از من قیام می کند...». این تناقض نیست؟! یک بار می گویی: هر که او را به نامش بخواند کافر است و یک بار می گویند حسن العسکری نام او را محمد گذاشته است!

۵۴- علمای شیعه در منابع خود مدعی شده اند که فاطمه رضی الله عنه دشنام داده، کتک زده، دنده اش شکسته و جنینش سقط شده است، محسن، پس علی الکرار رضی الله عنه کجاست. ، از آن! و کجایند بنی هاشم و عرب و عجم و شجاع ترین مردم در جاهلیت و اسلام! و یاران علی مانند ابوذر و سلمان و مقداد کجا هستند! کجایند بقیه اصحاب و خویشاوندی آن!

۵۵- شیعیان ادعا می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی رضی الله عنه خبر داده بود که برای فاطمه رضی الله عنه چه می شود و امر فرموده است. او در برابر

همه اینها ساکت بماند، خشمگین شد و مردم را موعظه کرد، چون شنید که علی رضی الله عنه می خواهد با دختر ابوجهل ازدواج کند، پس سلام الله علیه. ، گفت (و فاطمه پاره تن من است و من بیزارم که او را آزرده کند) و آن به حساب خطر فاطمه رضی الله عنه است و درود خدا بر او رضی الله عنه حفظ کند. سکوت در مورد ضرب و شتم و کشتن فاطمه رضی الله عنه و اوست که با در نظر گرفتن خطر فاطمه رضی الله عنه او را از ازدواجی که خداوند بر او حلال فرموده باز داشته است؟ سپس ادعای شیعیان مبنی بر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی امر کرده که از خانواده و ناموس خود دفاع نکند شرعاً و عقلاً غیرممکن است، زیرا او صلی الله علیه و آله دستور داده است دفاع از مال و خانواده، پس فرمود: (کسی که بدون مال کشته شود شهید است و هر که بدون مال کشته شود شهید است. خانواده او یا بدون خون یا بدون دین او است). شهید) و در روایت کتب شیعه به چند کلمه این حدیث آمده است، از جمله: ((از او صلوات الله علیه و آله): هر که بدون اهل بیت خود به ناحق کشته شود شهید است. و هر که به ناحق بدون مال کشته شود شهید است و هر که بدون همسایه کشته شود) مظلومانه شهید است و هر که در راه خدا کشته شود شهید است)) پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. صلوات الله علیه و آله و سلم به همه مسلمانان دستور می دهد که از مال و همسر خود دفاع کنند، سپس به علی رضی الله عنه امر می کند که از بهترین مردمی که خداوند برای او قرار داده دفاع نکند. زنان عالم؟ بلکه به امت محمد صلی الله علیه و آله دستور داده شده است که از همه زنان مسلمان به رهبری زنان اهل بیت نبوت رضی الله عنه دفاع کنند.

۵۶- (مسأله فدک)

منابع شیعه در صحت ادعای فاطمه رضی الله عنه در مورد فدک اختلاف نظر داشتند، برخی از آنها اشاره کرده اند که وی رضی الله عنه مطالبه دختر را بر ارث پدر می طلبد، اما نکته عجیب این است که در فقه شیعه زن از ملک ارث نمی برد از مال چیزی ارث می برد). کلینی در الکافی باب مستقلی به این عنوان آورده است (زنان از زمین ارث نمی برند)، و در این مورد از ابی جعفر؛ روایت کرده است که گفت: «النساء لا يرثن من الأرض ولا من العقار شيئاً». «زنان از زمین سهمیه ارث ندارند» .

و طوسی در تهذیب از مسیر نقل کرده که گفت: «سألت أبا عبد الله ؛ عن النساء ما لهن من الميراث؟ فقال: لهن قيمة الطوب والبناء والخشب والقصب فأما الأرض والعقار فلا ميراث لهن فيهما». «از ابا عبدالله ؛ در مورد حق ارث زنان پرسیدم؟ او گفت: قیمت خشت و بنا و چوب و نی به زنان داده می شود ولی از زمین ارث نمی برند»، و محمد بن مسلم از ابی جعفر ؛ روایت است که گفت: «النساء لا يرثن من الأرض ولا من العقار شيئاً». «زنان از زمین ارث نمی برند»، و عبدالمملک بن اعین از ابو جعفر یا از ابو عبدالله ؛ روایت می کند که گفت: «ليس للنساء من الدور والعقار شيئاً». «زنان از خانه، ملک، و زمین سهمیه ارث ندارند» در این روایت فاطمه یا کسی دیگر استثناء نشده است. پس بنابراین طبق روایات مذهب شیعه فاطمه حق ندارد که خواهان ارث از پیامبر ص باشد.

او گفت: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دستگیر شد و ابوبکر در مجلس او نشست، نزد نماینده فاطمه سلام الله علیها فرستاد و او را برد. از فدک بیرون آمد و فاطمه سلام الله علیها نزد او آمد و گفت: ای ابوبکر تو ادعا کردی که جانشین پدرم هستی و بر مسند او نشستی و نزد نماینده من فرستادی و او را از فدک بیرون بردی چون می دانستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من ایمان آورد و من بر آن گواهان داشتم، به او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: و خانواده وصیت نشده است، پس نزد علی علیه السلام برگشتم و به او گفتم، او گفت: نزد او برگرد و به او بگو: ادعا کردی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. ، ارث نبرده، سلیمان داوود را به ارث برد و یحیی زکریا ارث برد، به خاطر داشته باشید که فدک وصیت به فاطمه رضی الله عنه است و در گفتار ابوبکر به او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگذارید). ارث ببرد و بعد مرور کرد و گفت (چگونه از پدرم ارث نبرم؟) بحث بر سر مسئله ارث می رود وگرنه از او راضی است نمی تواند به ابوبکر رضی الله عنه بگوید. با او (من با شما در مورد وصیت صحبت می کنم و شما در مورد ارث صحبت می کنید، پس این از کجاست؟)

۵۷- اگر فدک هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه رضی الله عنه بود، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را عطا کرد. ام کلثوم، خدا از او راضی باشد، همانطور که فاطمه را عطا کرد؟ یا او را در آنچه فاطمه به او داده دخیل کند؟ ام کلثوم زمانی که خداوند بر رسولش فدک و خیر غلبه کرد، حضور داشت و رضی الله عنه در شعبان

سال نهم هجرت از دنیا رفت. و اوست که صلوات الله علیه گفت: (اگر من عدالت نکنم پس کیست که عدالت کند؟) نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت کرده است که پدرش او را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و گفت: من این پسر را برده به دنیا آوردم (یعنی بنده ای به او دادم) پس رسول خدا فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «پس او را برگردانید، کجا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی را حرام کرد و سپس آن را انجام داد و آیا رسول خدا رحمتش کند، کاری بکن که در حق بچه ها ظلم کرده است؟»

۵۸- علی رضی الله عنه با فدک چه کرد که امر خلافت به او رسید؟ آیا بین وارثان فاطمه رضی الله عنه تقسیم می شود؟ یا آن را همان گونه که ابوبکر رضی الله عنه گفته بود نگه داشته است؟

۵۹- شیعیان ادعا می کنند که قرآن را آن گونه که نازل شده جز علی رضی الله عنه جمع آوری نکرده است، ولی از ترس فتنه و ارتداد مردم آن را پنهان کرده است، و بعد از آن او در جیش ابوبکر با کسانی که مانع زکات دادن بودند جنگ کرد و ترس از مرتد شدن آنها نداشت در حالی که همه وقت او در لشکر ابو بکر می جنگید، پس آیا علی رضی الله عنه آن قرآن را که تنها خودش حفظ کرده بود، آن طور که نازل شده زمانی که خلافت به او رسید؟

۶۰- آیا اهل بیت غیر از قرآن کتابی دارند که علم خود را از آن می گیرند؟ داستان کتابهای دیگری که منابع شیعه ذکر کرده اند چیست؟ چه کسانی عبارتند از: (قرآن فاطمه، الجامع، روزنامه النام، روزنامه زیوت السیف، روزنامه علی، الجفر، تورات، انجیل و زبور)؟

۶۱- شیعیان این سخن را با تحریف تکذیب می کنند و می گویند که این سخن از جعلیات اهل سنت بر آنان است، پس در کتب مورد نظر خود درباره این نصوص چه می گویند: ((از ابی عبدالله فرمود: { و هر کس خدا و رسولش را در مقام علی و امامان بعد از او اطاعت کند، به پیروزی بزرگی رسیده است } فرمود: چنین نازل شد.

از ابوجعفر می گوید: جبرئیل علیه السلام با این آیه بر محمد چنین نازل شد: «کلمه خود را فروختند که به آنچه خدا در مورد علی نازل کرده است کافر شدند. بنده ما در علی، پس سوره ای مانند آن آوردند. { و از اباعبدالله علیه السلام فرمود: جبرئیل با این امر بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد. این آیه: «ای کسانی که کتابها به شما داده شد، ایمان بیاورید. به آنچه بر علی نوری روشن نازل کردیم { و علی محمد بن سنان علی الرضا علیه السلام

فرمود: مشرکان با حجت علی بزرگ شدند آنچه تو. آنها را به سوی حضرت علی (ع) دعوت کن. این کتاب به صورت خطی است و از اباعبدالله فرمود: {سائلی از عذابی که بر کافران در حال علی (ع) وارد شده است، هیچ انگیزه ای ندارد} فرمود: پس به خدا سوگند جبرئیل علیه السلام با آن بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد. ((

۶۲- شیعیان برای اثبات ائمه خود را به حدیث ثقلین استدلال می کنند، ثقل اکبر قرآن کریم و ثقل اصغر ائمه هستند، و هر که به امامان ایمان نیاورد مانند آنچه اثنی عشری معتقدند. پس او کافر مرتد است، زیرا که او عصمت و امامت ائمه را طعن کرده است، و کسانی که در ثقل اکبر (قرآن) طعن می کنند مجتهد هستند - طعنه زدن، به قرآن مجتهد است و اگر خطا کار يك ثواب می برد، و از این رو، هنگامی که از آنها سؤال می شود، که مراجعشان مثل نوری طبرسی در کتاب (فصل الخطاب در شرح تحریف کتاب رب الارباب) می گویند که او عالم بزرگی است که اجتهاد کرده و خطا کرده است و يك ثواب می برد!!!

۶۳- اگر کسی بخواهد شیعه شود، باید از میان مذاهب مختلف و زیاد شیعه، کدام را انتخاب کند؟! امامیه و اسماعیلیه و نصیری و زیدیه و دروز الخ همه مدعی هستند که مذهبشان مذهب اهل بیت است، و همه با صحابه دشمن هستند، و همه به امامت علی بن ابی طالب رضی الله عنه معتقدند و بر این باورند که او خلیفه بلا فصل پیامبر است، پس کدام یک را باید انتخاب کرد؟!!

۶۴- اگر شیعیان علم دین خود را از یک جهت می گیرند پس چرا اختلاف زیاد در احادیث آنها وجود دارد؟

و برای این منظور ابو جعفر محمد بن حسن طوسی شیخ شیعه در مقدمه کتابش تهذیب الاحکام می گوید: ستایش خداوندی را سزااست که صاحب حق و مستحق آن است، و درود خدا بر بنده برگزیده اش محمد صلی الله علیه وسلم باد، یکی از دوستان در مورد تباین و تضاد و تناقضی که در احادیث اصحاب ماست که هیچ روایتی نیست مگر آن که در مقابل آن روایتی مخالف با آن نباشد، با من مذاکره کرد، و چنان این احادیث مخالف همدیگرند که از بزرگترین اعتراضات مخالفان ما بر مذهب ما همین تضاد اخبار و روایات است....».

و سید دلدار علی الکنوی شیعه مذهب در کتاب اساس الاصول می گوید: احادیثی که از ائمه روایت شده اند به شدت مختلف و متضادند، چنانکه تقریباً هیچ حدیثی نیست مگر آن که در مقابل آن حدیثی مخالف با آن هست، و هیچ روایتی نیست مگر آن روایتی دیگر با آن مخالف است، تا جایی که سبب شده تا بعضی افراد ناقص از مذهب برگردند

عالم و پژوهشگر و محقق و حکیم و شیخ شیعیان حسین بن شهاب الدین الکرکی در کتابش، «هدایه الأبرار إلى طریق ائمه الأطهار» می گوید: «چنان که در اول کتاب بیان کرده هدفش دفع تناقض در میان روایات ماست که سبب شده به خاطر آن بعضی از شیعه از مذهب برگردند».

ما می گوئیم علمای شیعه به تناقضات موجود در مذهب شان اعتراف کرده اند . خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲].

«اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند».

۶۵- انسان فقط می تواند بنده خدا باشد؛ خداوند متعال می فرماید: ﴿بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ﴾ [الزمر: ۶۶]. «فقط خدا را بندگی کن». پس چرا شیعیان اسم های خودشان را عبدالحسین (بنده حسین) و عبد علی (بنده علی)، و عبد الزهرا و عبد الامام می گذارند؟!.

چرا ائمه فرزندان را عبد علی و عبد الزهرا نامگذاری نکردند؟ و آیا درست است که بعد از آن که امام حسین به شهادت رسیده است بگوئیم عبدالحسین یعنی خادم حسین؟ خادم کسی است که آب و غذا را تهیه می کند و خدمت می نماید آیا معقول است که کسی آب و غذا برای حسین ببرد و در قبرش آب وضویش را آماده کند تا بگوئیم که خادم حسین است؟!.

۶۶- به اصطلاح (خاک حسینی) برای شیعیان از قداست زیادی برخوردار است، پس آیا این خاک از طرف ائمه اهل بیت وجود و حرمت داشته است؟

۶۷- شیعیان برای حسین رضی الله عنه و اهل بیت او قمه زنی و خونین کردن سر و نوحه سرایی راعبادت می کنند، و در عین حال که کتابهای معتبرشان روایاتی را نقل می کنند؛ که قمه زنی و خونین کردن سر نهی شده است، و در تفسیر الصافی در تفسیر آیه: ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ [ممتحنه: ۱۲] آمده است که پیامبر با زنان بیعت کرد مبنی بر

اینکه (به هنگام مصیبت) سیاه نپوشند و گریانشان را پاره نکنند و فریاد واویلا سر ندهند. و همچنین در نهج البلاغه آمده است: «وقال علي عليه السلام بعد وفاة النبي صلى الله عليه وسلم مخاطباً إياه صلى الله عليه وسلم: لولا أنك نھت عن الجزع وأمرت بالصبر لأنفدنا عليك ماء الشؤون». «علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر از بی قراری و بی تابی نمی کردی و به بردباری فرمان نمی دادی چنان برای اشک می ریختیم که اشک چشمانمان تمام می شد» .

و همچنین در نهج البلاغه آمده است که علی علیه السلام گفت: «أن علیاً ؛ قال: من ضرب یده عند مصیبة علی فخذہ فقد حبط عمله». هر کسی به هنگام مصیبت و بلایی دستش را بر رانش بزند و تأسف بخورد، عمل او نیست و نابود گردیده است. آیا شیعیان با کارشان از آنچه خدا و رسولش دستور داده و ائمه نیز دستور داده اند مخالفت نمی کنند؟ اگر سینه زدن از دیگر اعمال مشروع بوده است، آیا اولین کسی که باید مردم برای او قمه زنی می کردند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سپس پاره تن باکیزه اش فاطمه رضی الله عنه است، آیا علی و خاندانش قمه زنی و به سر و زدن سینه برای آنها انجام دادند؟ اگر چنان که شیعیان ادعا می کنند قمه زنی و خونین کردن سر و نوحه سرایی و زدن به سر و سینه پاداش بزرگی دارد پس چرا علمای شیعه قمه نمی زنند و سر و صورت خود را خونین نمی نمایند؟

۶۸- شیعیان برای اینکه غم و اندوه خود برای حسین رضی الله عنه عنوان کنند سیاه پوشی را عبادت می دانند، درحالی که روایات صریح اهل بیت از سیاه پوشی نمی شده است، از جمله: از علی علیه السلام روایت است که فرمودند: «لا تلبسوا السواد فإنَّه لباس فرعون». «لباس سیاه نپوشید؛ چون لباس سیاه لباس فرعون است». در تفسیر الصافی در تفسیر آیه ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾. [ممتحنه: ۱۲] آمده است که پیامبر با زنان بیعت کرد مبنی بر اینکه (به هنگام مصیبت) سیاه نپوشند و گریانشان را پاره نکنند و فریاد واویلا سر ندهند.

۶۹- علمای شیعه معتقدند اعضاء سجده در نماز هشت عضو است (پیشانی، بینی، کف دو دست، زانوها، وپاها) و این اعضاء باید در هنگام سجده با زمین تماس داشته باشند. و همچنین معتقدند سجده بر چیزی غیر خوراکی و غیر پوشیدنی واجب است، و به این دلیل پیشانیشان را بر خاک (مهر) می گذارند.

پس چرا شیعیان زیر هر یک از اعضای سجده خاک نمی گذارند؟!
این همان چیزی است که نوشتن برای ما میسر آسان شده است و از خداوند متعال می
خواهیم که ما را در گفتار و عمل اخلاص عنایت فرماید و درود و رحمت خداوند بر سید ما
محمد صلی الله علیه وسلم و آل او و یارانش باد.
وصلی الله علی سیدنا وخاتم النبیین وآله الطیبین الطاهرین برحمتک یا أرحم الراحمین.

خاتمه

اما رسالت و مسئولیت آنان پایان ناپذیر است، لذا افتخار تحمل و ادای این مسئولیت الهی به این امت سپرده شد، بنا بر این نبی خاتم صلی الله علیه اولین مجموعه از میان این امت را جهت تبلیغ و اجرای این رسالت پیامبرانه بدست مبارک خودشان تربیت نمودند. بنابراین امت اسلامی تقریباً اتفاق نظر دارد که همچنانکه در گذشته بهترین و پاکترین انسانهای روی زمین پس از پیامبران و رسولان شاگردان آنان بوده اند در مدرسه‌ی محمدی صلی الله علیه وآله و سلم نیز این قاعده بگونه‌ی بسیار روشن و بارزی متجلی بوده است. لذا خداوند مهربان در قرآن کریم بارها از این شاگردان مخلص مدرسه‌ی نبوت، اظهار خوشحالی و رضایت نموده و به آنان وعده بهشت و مغفرت داده است:

نسأل الله أن ينصر دينه و أن يعلي كلمته و أن يجمعنا مع أهل البيت نبينا وسيدنا محمد
صلى الله عليه وسلم ومن شايعهم وأن في فردوس الأعلى وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله
وصحبه وسلم.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

گردآوری:

لجنة علمي بدار المنتقى